



زمان مطالعه: 4 دقیقه

در حالیکه همیشه نیمه دوم سال را فصول «اعتصاب خیز» می‌نامند، اما گفتیم که تمهیدات پیش‌دستانه حکومت و کارفرمایان سبب وقفه‌ای در اعتراضات کارگری هم‌زمان با دوماهه اول خیزش سیاسی مردم شده بود. از هفته پایانی آبان‌ماه به این سو اما فریادهای موقتاً فروخته کارگری بلند شد و شاهد سریالی از اعتصابات صنفی کارگری بودیم: کارگران پالایشگاه نفت تهران، ذوب آهن اصفهان، شرکت تولید قطعات خودرو (کروز)، داروگر، بهمن دیزل قزوین، بهمن موتور، نیرو محرکه، شرکت مرتب (سیف خودرو)، بیمارستان خمینی و ...

سؤالی که بلافاصله در اینجا مطرح می‌شود چنین است: اگر اعتصابات اقتصادی سال‌هاست که بی‌وقفه و در ابعاد وسیع در حال برگزاری بوده‌اند، پس آیا مجازیم که وقوع این اعتصابات را به جنبش اخیر مرتبط بدانیم؟ آن هم در حالی که تمرکز این اعتصابات بر مطالبات اقتصادی بوده و در آن‌ها شعاری در حمایت از جنبش مردمی بیرون نیامده؟ به زعم ما پاسخ هم آری است و هم خیر. اعتصابات کارگری و اقتصادی فارغ از وجود یا عدم وجود جنبش خیابانی همیشه جاری بوده‌اند؛ منتها «کیفیت» اجرای آن‌هاست که از دوره‌های دیگر متمایزشان می‌کند؛ اعتصاباتاتی که گرچه اقتصادی‌اند، اما به لحاظ روش‌های اعتراضی خود از وضعیت تهاجمی اعتراضات مردم در خیابان تأثیر گرفته‌اند. برای مثال اگر به چند سال گذشته نگاه می‌کنیم، سال 97 را می‌توان نقطه عطفی در جنبش کارگری دهه‌های اخیر محسوب کرد؛ نه به دلیل جهش عددی اعتراضات کارگری، بلکه به دلیل تحول کیفی کنش‌های کارگری و گرایش به تعرضی شدن آن‌ها. فهم این تغییر و تحول بدون در نظر گرفتن اثرات عمیق خیزش سراسری سال 96 بر این روند ممکن نیست. به همین نسبت تبدیل شعار «فقط کف خیابون به دست میاد حقمون» به مانیفست اصلی کنش‌ورزی معلمان و بازنشستگان طی دو سال اخیر نیز بدون اثرپذیری از خیزش‌های خیابانی سال‌های قبلش نبوده. در سه هفته اخیر نیز هرچند قریب به اتفاق اعتصابات کارگری ماهیتی اقتصادی داشته‌اند، اما شواهد اثرپذیری عملی از خیزش خیابانی مردم در آن‌ها بارز است:

- تبدیل اعتصابات سکوت به راهپیمایی صدها نفره درون شرکت همراه با سردادن شعار (نمونه‌های ذوب‌آهن اصفهان [1] و قطعه‌سازی کروز و بهمن موتور و بهمن دیزل).
- تجمع همراه با آتش زدن لاستیک و شعارنویسی درب شرکت (شرکت صنعتی تولیدی مرتب)
- طرح شعارهایی معطوف به کل طبقه کارگر و نه فقط واحد و صنف محدود خود (درآمد دلاری، کارگر ریالی/ کارشناس دلاری، کارگر ریالی/ کارگر داد بزن، حقت رو فریاد بزن).
- سر دادن شعارهای ضدحکومتی کارگری علیرغم هزینه‌ها و مخاطرات سنگین (رانندگان باربری اکبر آباد تهران)

اما این تحول تنها به شیوه برپایی اعتصابات کارگری خلاصه نمی‌شود؛ در چند هفته گذشته اشکال بدیعی از اختلال در کار و تولید هم بروز پیدا کرد که مشخصاً می‌توان آن را مولود خیزش سیاسی اخیر دانست. در تصویر زیر خلاصه‌ای از این الگوها را با ذکر تاریخ دسته‌بندی کرده‌ایم: 1- اعتصابات سیاسی کارگران، 2- تحمیل تعطیلی از بیرون، 3- جادوبندی به قصد اختلال در کار، 4- همبستگی نمادین کارگری، 5- اعتصاب صنفی مؤثر.



در میان اشکال بالا، الگوی «تعطیل‌سازی از بیرون» که حداقل 5 مرتبه در معادن بلوچستان اتفاق افتاد، تفاوتی ماهوی با سبک «جاده‌بندی به قصد اختلال در کار» دارد. چرا که در اولی، مردم با حضور چشمگیر خود در محوطه محل کار، رأساً اقدام به خاموش کردن یا تخریب وسایل کار و توقف تولید می‌کنند. در این روش، غلبه جمعیت مردم بر تعداد نگهبانان و حراست، به آنان قدرت مداخله مستقیم می‌دهد و هزینه اجرای این کارگران را با این تعطیل‌سازی یا اعتصاب به حداقل می‌رساند. گرچه دو ویژگی خاص به کم‌هزینه‌کردن اجرای این روش در بلوچستان کمک کردند: اول فاصله فیزیکی قابل توجه معادن با محیط شهری (و در نتیجه عدم امکان مداخله فوری نیروهای پلیس) و دوم بسیج طایفه‌ای برای شرکت در این تعطیل‌سازی. با اینحال فارغ از این دو جنبه، اگر این روش بسیج مردم محلی برای ورود به محیط‌های کار تبدیل به سرمشق سایر مناطق شود (خصوصاً مناطقی که در آن‌ها تخریب زیست‌محیطی یا تبعیض‌های استخدامی غالب است)، تحول جدیدی وارد جنبش کارگری خواهد کرد. سرمشق‌سازی از این سبک «تعطیل‌سازی از بیرون» بالأخص در شرایط انقلابی، پشتوانه مهمی در یاری رساندن به کنترل کارگری و ترویج ذهنی و عملی مفهوم «مالکیت عمومی» خواهد داشت.

نام معدن	تاریخ
معدن طلای انجرک (شهرستان تفتان)	۳۰ آبان
معدن سنگ مرمریت نگور (شهرستان نیکشهر)	۱۵ آبان
معدن کوهستان مورفیش (شهرستان خاش)	۱۵ آبان
معدن طلای انجرک (شهرستان تفتان)	۹ آبان
معدن طلای انجرک (شهرستان تفتان)	۲۶ مهر

**اعتصابات خرده‌مالکی:** در این دوماهه همچنین شاهد اعتصابات پراکنده کسبه و بازاریان (به ویژه در کردستان) و اعتصاب سراسری بازار (24 تا 26 آبان) بودیم. البته قبلاً بارها گفته‌ایم که اعتصابات کسبه و بازار، اثر اقتصادی خاصی بر حکومت ندارد و مهم‌ترین کارکردش صرفاً اعلام همبستگی و در مواردی مهیا کردن فضای اعتراض خیابانی است (چنانکه در شهرهای کردستان یا مرکز شهر تهران در حوالی پاساژ علاءالدین و بازار آهن تهران و... به سنگربندی خیابانی منجر شد). با اینحال از هفته دوم آذرماه اخباری از اعتصاب در میان کامیون‌داران (به ویژه در شهرهای کردستان، کرمانشاه، بندرعباس و...) آمده که اگر موفق به گسترش شود برخلاف اعتصابات بازار می‌تواند اثری فلج‌کننده بر دولت و اقتصاد کشور داشته باشد.

[1] گرچه راهپیمایی داخل کارخانه به خودی خود یک اقدام تعرضی نیست، ولی اولاً باید این اقدام را در فضای شدیداً امنیتی شرکت‌های بزرگی نظیر ذوب‌آهن دید که حتی تشکلهای فرمایشی همچون شورای اسلامی کار هم در آن ممنوع هستند. ثانیاً پیشرو بودن این کنش را در قیاس با مثلاً اعتصاب غذای نمادین کارکنان سکویهای نفت در همین ایام و با مطالبات مشابه بهتر می‌توان درک کرد (محیطی که کمابیش مشابه با کارخانه ذوب‌آهن امنیتی است).

## مطالب مرتبط



اعتصاب و کژتابی‌های پیرامون آن



اعتصاب سیاسی کارگران پروژه‌های : سربوب و سانسور...



اعتصاب عمومی: از ایده به واقعیت (بررسی ظرفیت اعتصاب...)